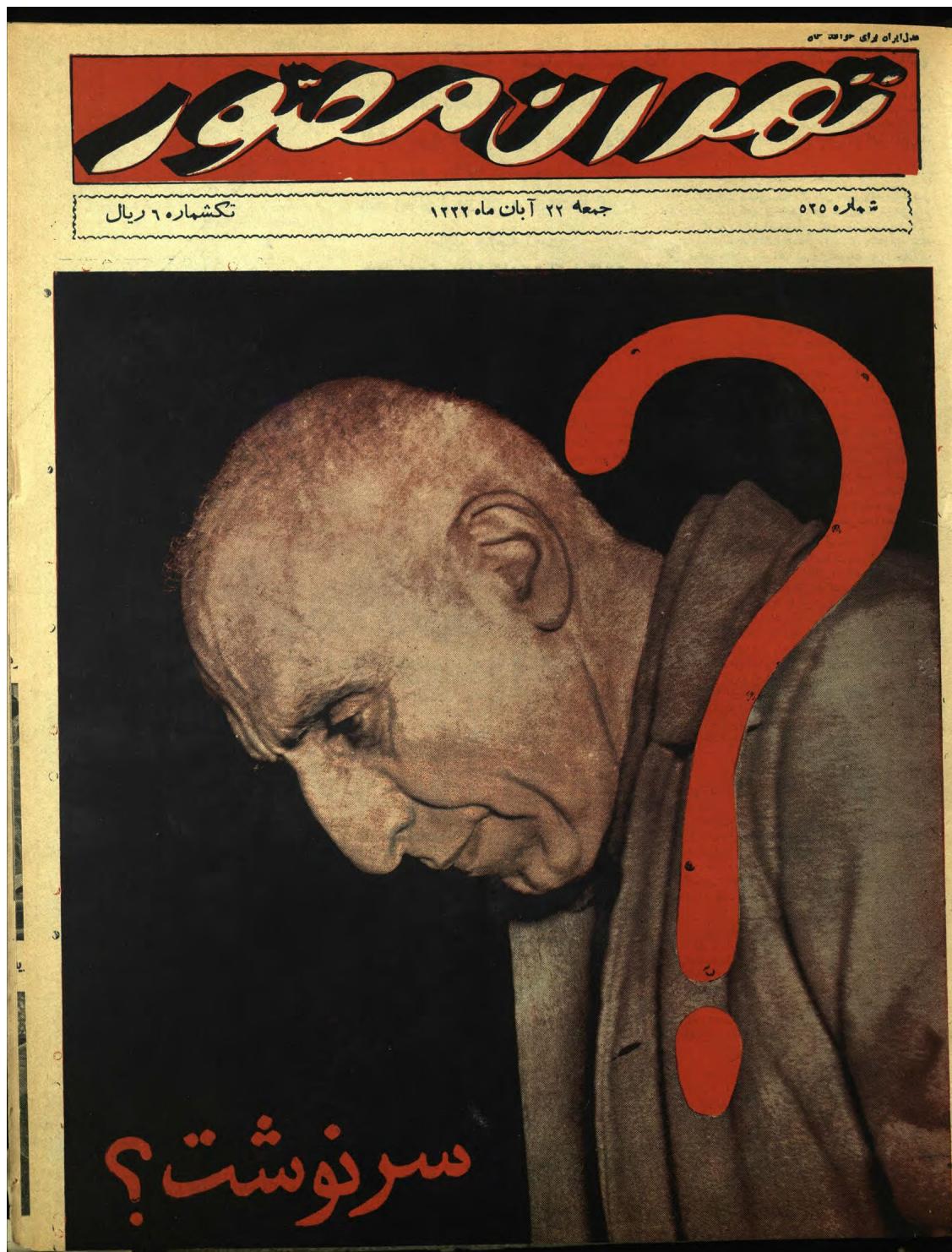


در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ شیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)



m.ilbelq@ yahoo.fr xalvat.info از نگاه دیگران

تهرانصور : "محاکمه تاریخی دکتر مصدق در تالار آئینه سلطنت آباد"



چند صحنه از محاکمه تاریخی دکتر مصدق در تالار آئینه سلطنت آباد

هزارها ایسنه هشید،^۲ دادستان جوایداد «شاسن نهادیه از من بگیر کند» دست مردم فکت «بیزار غوب، ایشان لیسانه یستته» نمی خواهد من چنانچه سالست که در اینکار تبریه دارد، چهارور میکنست من در نیم دادگاه باشکوه، دادین دادگاهی که در تاواری آینه شکل کشیده طبلی بر علاف پیکونیه»

دیگر کات «شیلی خوب، اگر طلاق تاون یاده نمی سرسی
دارم» دیگر مقدمت کنندگانی که نایابند (که این نیت توأم
و اینجا بود) همانند مقدمت مکاری دیگر ای جنکت کنندگان
ضلالی اسرار هستند، تا شما ممکنیتی داشتید که پوشید
کنید و آنها را بگیرید. همان‌طور اول مقدمات کاروا نیزه کردند و بد
اینچنانکه برداشته، یا باید خلا فرازیده، یا بد قوای اینپیه کردند و بد
آنچنانکه برداشته ۴

هر اعدام کنید
کنون مبدأ دادگاه باین اینکه توپیمات مخالفت کرد
کنک مصدق گفت: «دانای توپیمات رسکن»، من که فردا به امام
اعدام شدم؛ من که بیک فرزند ام؛ من هستم؛ من مردم؛ من ای اکشان
بیرونیم؛ من قائمم؛ من دارم؛ من کنم؛ من سار خوب همدم؛ من بزیر و همه
کنک اعدام را سازد!» پس از اذکار کنی که در
آن باب خد باز کرد دکتر صدقه را که نهضت و زیر این ملکت است (اسناد این کتاب)
توافت. میلادی-کارل-پول-درا (۱۸۷۰-۱۹۴۵)، سرمش مغلوب و پیش از دادگاه
اینها را از پروردخت و انسانی که گذاشت اعورت پسر بینند...»
این اعدام را از دادگاه برخواست. عرب خود را عذر یافدم ملکه است.
در این اعدام، قاره دکتر صدقه از این طلاق خود را عذر یافدم ملکه است.
دادگاه و اعدامدان بنی که از این طلاق مفتر است از این طلاق این شومن این
توسیع از اذکار باشند که از این طلاق مفتر است و این اذکار اعدامدان است. از این طلاق
لکلکت از اذکار باشند که از این طلاق مفتر است. این اذکار از این طلاق
توسیع از اذکار باشند که از این طلاق مفتر است. این اذکار از این طلاق

دادگاه عادی نسبت
اکنام توبیخات در اطراف و طایف دادستان دادو بید گشت
امروز همه دنیا بپنهان بیستین است این دادگاه عادی ممکن است، این
که دادگاه عادی نسبت برخیان این دادگاه و مدارک دارد و مدارک
در زاریخ نیست مثلاً ما که مرشدنا درجه جا گشته داده
شورای ابینت او را مغلوب کرد و شورای این الملل معاکوس
ددم و ددم نیست، لیست نیست پروردید یکدیگر کاشانه ایست این دادگاه
سرمکون نودیم، این دادگاه باید بروید چنانکه دادو بید با دادو بید
و چنان کنید و ملت ایران را بکنید، برای هشاتاکون پژوهش و پژوهی
ش نیامده، امروز کنم از این دادن باید هشاتاکون این همایه می خواهد
لذت گشته، چنانست که شاهانه ای این خدمت ای کشنه.
اما هشاتاکون این دادن باید هشاتاکون ای این دادن باید هشاتاکون
اما هشاتاکون این دادن باید هشاتاکون ای این دادن باید هشاتاکون

ارقیم نتوانستم آنرا شکست دهم، حالا هوامی در مملکت بیدا
ند که مقاصد ما را (نجام میدهند)»

هـ اعمال پیکانه استیم
در این موقت پرسش داده مسن دکتر کوتاه و قطع کرد
تـ آقا ما امام ایوبیم شدن این بعثت هارا یکنیکه معاامل
گاهه استیم: افسران خرقانیده که اینچه شدسته بازی از افراد
پو: بندهانشان لایهانندند: من خواهش نیکنم مانطوره که مختارم
که از پیکانه خوش بخوبیم شد: داشتم: و اسرائیل خدمات کنند: همان
که در عذرخواهی کرد: پایهید میکنیم: این هم دعایت انتقام متفاوتی دارد
که در عذرخواهی کرد: نسبت و پرسش مخالی غایب از این ایضاً بست: مکانته است
که در عذرخواهی کرد: روحه و روحه ایضاً بست: این دعایت دکتر کوتاه است

دانی را من در شورای امنیت هم کرد «
رُؤس و مَرْأُوس
پس از تذکر رئیس دادگاه مقدم میدان بیانات خود
داد و راجح بعد صلاحیت دادستان مطابق گفت و در غایه
پاره از دلایل آن را مذکور در آغاز تصدیق کار تابع درجه شد

لایق این داده و پیشنهاد شد که نهاده ایشان را خود بود، خداوند
را دلخواه نمایند و معمتم که نهاده ایشان دامج باشاند هر چو کننم
همس کنند، این داد هم عرض میکننم که ایشان حق شستن در این
گاه را ندارند، ذرا من در قدر تغایر ملی و دریافت ملی و ایشان بودم و
شان رسی ازادره مهندسی و مرلوس من »

پیش روی پارک
رس اذایان بیانات کرده‌اند سپس آن‌ها مذکور می‌شوند و پس از ذکر مقدماتی گفت «برای من چیزی نمایند است»
خانواده که خود را در گزینش می‌دانند هر دوست و موادی را فانوسی
در ازایات پیش بازخواهی می‌کنند و گاهی از این مواد می‌باشد که این مواد می‌باشد...»
در اطراف آثارهای دستور مقدماتی بیانات از افراد و سری
ازین افراد از اسماهات ملک یعنی دروز ۱۲۳۷ مرداد ۱۴۰۰
این عنوان داشت که در آن تاریخ ملک نویس یاک نویسنده پایه
استان اذیش او را در آن بهار و زیرا در این مدت می‌تواند این خبر
حرف خوب نمایند و هر عمامات را نزد کتابخانه ملک نهیکند او را
مواد می‌خواهند و حوال آنکه دامستان هر قدر سیوساد باشد این نشان
فقط در میان مقالات
پس است...»

برنگاران و عکاسان و فیلمبردارانی
از نشورهای مختلف جهان برای
رکت در محاکمه دکتر مصدق حضور
فهه اند از لحاظ آثیرت فرات ناکنون

ساقیه ندانشته است
نمایم که دکتر مصدق گفت: «اگر نمیگذرید
نرم را زیرم پس اندام کنید» روسی دادگاه
گفت: «افرانی که اینجا شنسته اندیمه غصب نیستند»
رات دکتر مصدق و دادستان ارش درباره حادث
در ۲۸ تا ۳۰ مرداد

بر متصدی ساخته شده ۷۳ سال ایران بود، شترخیز که همان روز به
پس می‌گیرد و دو تکن مصدق و فتنی وارد نالار
کاه هد بیان نوشت و دست اشاره میکفت که کوئی هیچکی از
آن پسندی در اختیار او نداشت و یاهم از طبقه اندیشه اندارند
بر پردازد و ۴ پیغمبر از کفر مصدق مفت مدت بین دیفه و
ت و با آنکه ریس نهاد پاره هدا را مدعا مکسان
دان پیکار خود مشغول بودند و گردش را میگردیدند تزویج
برین پیدا نمودند و ای دنر باز را گرفتند و روی نیکت شناختند

وں از آنکارہ سیست مسلے اعلان کرو منتهی داداگام اس وشل
بریسے: گات د ونڈمید معدن، پختت، فرنٹ کاریو! وقئی
دادراد، دورہ بیت، لیل اوزار کرد، کوئی داداگام
لئی هنگامیکے اینہم بوسوں شہزاد، دخونیت آذانی
ستان بریسے... ملی کیں کوت کوت کیں کوت کوت کیں کوت
دادراد، داداگام کی داداگام، داداگام داداگام
هر شن کشمکش

در این‌قول دادستان آجاوه معتبر خواست و ریس پایه‌آجاهه
ولی کذکر معتقد گفت «آنکه ایجاده حرف و ملزم»، من به صمیم
ام ماد، بگذراند معتبر متمم «تاشوه»، یید... در این‌قول دادستان
خواست و می‌ازد «که ایجاده کفت»، نه «که تاکاران و هکاران را بایست
داد کاران ای کند و مخوب می‌گنند این‌جهاته ایجاده کفت» و تباش است
که در این‌قول دادستان آجاوه معتبر خواست و ریس پایه‌آجاهه
از ایجاده ایجاده، از ایجاده معتبر فتحانی کنم که ذکر کلام ای ایان
نه... بلطفه همین دغدغه باگذر معتبر معمده‌مق مقهود مقامه‌های
ایجاده کاران ایجاده کیست و در این‌قول مواد قانونی راه اصراف در
گرفته شوند... »

شعل ایسا نہیہ ہستید؟
رئیس دادگار وردی کرنے مصون کرتے وکٹ کو «ہانٹونو کہ
و دادن، ایسا دادنی خود روانہ مصلحت سے داد کام نہ ملے بدلے
لیں۔ مصون میدنے پا یا خاصت کرنے وچان س لکھر، منہیں
کامیابی ایسا دادنیں ایڈنے ایڈنے کارہاں کی پایا گھاشر لیکن
میکوں کو پوچھنے ایسا دادنیں ایڈنے کو میرے قسم مصلحت سے داد
کارہاں مصلحت سے دادنیں اعضا خارج دارم» رئیس دادگار کہتے
پ بکریو۔ د کرنے مصون کو وچان س لکھر کر دادگار کہتے
بیکاری۔

روی داد و پشت خود
در این هدف مکانیزم بازیگری رکورس مصنوعی، در رأس آن کلمه می‌باشد. در اینجا فرد را داده و همه مسائل درباره این عماکمه که ناشی از این مکانیزم می‌باشد را در اینجا معرفت نمایند. روی جلد دکتر مصنوعی در ادامه کار بررسی میرساند. این مکانیزم که سپس ترتیب خود می‌آوردند، و مکنیسمی است که بتوان این مکانیزم را در این مقاله معرفت نمایند.

(بروزگرانی این مکانیزم از اینجا شروع می‌شود.)

مرآفیت ماهورین انتظامی
بعد از اطهار و روزگیری، پدر تکنیک معاشر تاریخی که از دید
مشروطت ایران تاکنون سایه داده است در مازل آینه سلطنت آباد
آغاز کرد. قبل از اخروع حکم، در این روزات اتفاقات پیش
بینی های زیادی برای مخطط انتظامات در موضع سلطنت آبادیم
کرد. این اتفاقات بسیار پنهان چشم خود را به این سیاست سپری کرد.
دوستی خود را با عابران و تادیلها با تنگی می کرد، و در فراسمه
دوستی خود را با دناتک و تادیلها سپری کرد. در این میان سپری می کرد
اخراج خود را در جلوه دروغ و غایغ طلاقت آبادیم سپری کرد.
و در این ایجاده کارهای، درجه دروغ و غایغ طلاقت آبادیم سپری کرد.

در دادگاه هم و درودیت سپاهان مسلح در هوای طوف خیابان صفت کشیده
دعا شاهی با غلیظ بینکشید کار اعزام بر این طبقه و پیغامبر استواره بودند.
درین میان معلم نیز کار های خیرخواهان و تماهیان سوزده
بازاری فرادر میکرت و اسامی آنها توسط همه فرق بیت میگردید
از طرف دادگاه هم و درودیت سپاهان مسلح در هوای طوف خیابان صفت کشیده
بودند. در اینجا برای سومین بار تهای خیرخواهان مورد بازرسی
فرادر میکارت.

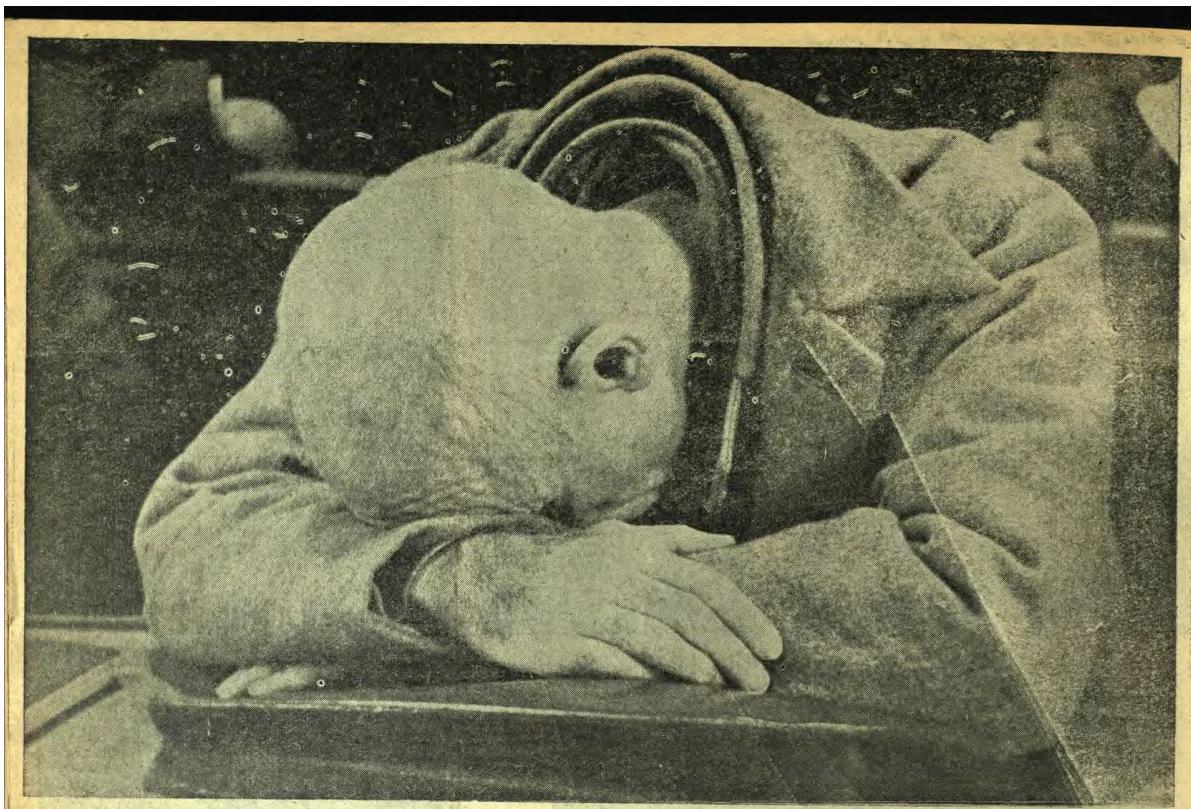
در تالار آرایه
تالار آرایه کاخ سلطنتی آباد، که یکی از بناهای دوران
ناصرالدین شاه است، هدود را که داشت تا این شکن وست
محل و پتوپ قرارداده و دودوینگر در جانب هرق و غرب تالار
است. سقف تالار آرایه، از تابلوی زیبای ماظری اذی میباشد
و موزه خاوران میباشد. درست شده، و توجه مخوب برگزاران
نمایشگاه را جلب کرده است. در بازی تالار آرایه بروزی و اعضا
اد کاخ از دردشیده و بالای آن را نمایش داده اند. بیرم سه و نکه ایران،
کیمی بالارت از آن عکس از شاهنشاه دیده مشهد. مشهد داده
بایکا مدهان و داده اند. سوت آن کماهیه که هاره اند داده
نهانی و دلکی مدعای آنها نیز دروازه دریف، روی نیکت های
آرد و درودی میباشد. شتر و نگاران دام غلبه اند و شاخان چنان بست
مرهیان و روزی میباشد. ایوان و نگاران دام غلبه اند و شاخان چنان بست

در نهضت روز معاکمه درست، دکتر مصدق یا کسوم کماپیکه در
آبادگان ناشایخانه قرار داشتند. از آنها کاران و عکاسان و نیلپردازان
از جمله بودند. و زونانه ها همچو کارزاری و دادری های چنان همه
با دادی خبر نکار و عکاس بزی حدود درین معاکمه تا پیش فرستاده
روز دادند. اینها برای آنکه از اندکی کان بدانند محال خارجی تا چه
اکنون هستند این امر این اتفاق نیست. این اتفاق تا این هستند تعداد بزرگ نکارانی
که با پیران فرستاده اند را در بین دیده بودند.

خیر کاری فرانس سه نویسنده، آسوادنگاران
ک همکار، پوناپرینوس و دوشنگاران یا
ویترینکاران، خیر کاری تان یکتکنر، دادو باریس یکتکنر،
ادویه یکتکنر، پیمانی صادر یک مغزیر و
مکان، ادویه یکتکنر، پیمانی تانیز یک
پیشگاران، پیمانی لکلاراف یکتکنر، پیور کوتولک یکتکنر، مطروحهای
نمایشگاه آلان یکتکنر، آلان یکتکنر، «کویلش
دانش» آن-ان-ان یکتکنر، نیوپر نیاک یکتکنر شناسنگاران
بیرون یکتکنر، مجله لایف دو شنگار و پیک همکار، «ناشنل برود
ستیونز یکتکنر، نیوپر نیاک یکتکنر، «لایف تام یکتکنر، کامپیو-
رنیکان یکتکنر، نیوپر نیاک یکتکنر، «لایف دار» یکتکنر،
انترناشنل نیوپر نیاک یکتکنر، سرو سری یکتکنر،
انگلستان یکتکنر،

خبر تکان همروف
در میان خبر تکاران و مکسان و قیمت داران خارجی، روزنامه
یسان مشهوری مانند «جیزیل» خبر تکان «گاستون فورپیه»
بر تکار خبر کاری غراسه و «کولیندیده» خبر تکار دیلی نلکراف

جزی، و در حایله بود، خوش داشت و شدید تر از
جزی شد. بود و در میان چهار نگار و کلکی معمای خود را دارد تا لور
برگاه گردید. پس از آنها عکاسان و نظریاران متول عکس برداشی
کردند. این دست قدری بدین معنو اتفاق آمد که داده کار و تراز اینجا
رویدند و مطابق با خواسته خیر نکاران و عکاسان این را می خواستند. از
میان چهار تعبیه شده بودند. این این تعبیه بخوان طبق تکثیره
رسانه دستی این بد در فربی تمام گردید. شد و دکتر صدق دو
لیکه قیام این احتیاط خود را خواسته بین خیر و بیمه و باز فرط اضاف
نمی بیند و دامت هفتمین شده و اداره کار گردید.



دکتر صدق جند بار در جلسات دادگاه دچار ضعف شد، به اوریته یکی از پوشکان نظامی باوداروی «کورامین» داد و سپس در حالیکه سر خود را روی دستها گذاشت بود استراحت کرد.

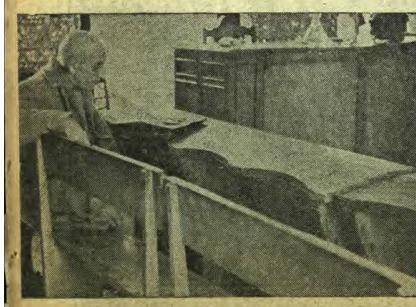


دکتر صدق یعنی اوقات با سرهنگ، معاقلی سخن میگوید

بنده از صفحه هقا (بنده) از توضیحات مفصل دادستان دکتر صدق گفت «من بشار گذتم بیساد هشید، قلعه‌نگر دادم که نهاد (باکسرها) اطلاع داشتم و نهاد باتوجه هم صحیح است. مقصود این بود که ایشان در همه مرکز شانند و اما در یاده دادستانی ایشان باید یکی از خواهشان موقوفه کیه من و فرمان مطلع بودم نامه‌ای بنی نوشت و ضمن آن هنوز کردند ام من فاقد تفصیلات اضافی نداشم آنکه دکتر صدق نامه‌ای را که سایر از داد و سپس گفت برپماید، دکتر صدق گفت و پنهان مطالیم را نهاد من میگویم ذیرا شما میتوانید متعذر بگویید ذیرا افسر اهل بسیار است افسر ای خواهد بخت کند، من خواهد بگیرد بینندگان خواهد بخت کند، خواهد برای بخت است اندامه، من هم بفهمم اگر نیاشم بخشم ...



دکتر صدق هنگام تنفس بدون از وکلای مدافع صحبت میکند



تنها او یا یافته هنگر در جای خود نشسته است

اگر دادستان کم اطلاع پس از آن در راه، لایه انتشارات و اظهارات دادستان و پیغایی داد دادکاران گفت «ما برای اصلاح و سخن دادگارانی نظاری که مورد ایجاد آقای سرتیپ آزموده است قول ایشان را اذکر کردند های ازو با کر قیم اینکار از اخراج نکردم، بلکه اینکار اقیاس افزاین خارجه است آقای دادستان اکنون باز خارجه میداند برخوند مطالعه کنند بینندگان ما آنرا از خارجه گرفتند امام کنهم که قفای ارشن باید اداری این سابل ایشان ۱- ایسایمه باشد، ۲- کسی تواند آنرا تایید نماید - ۳- موقوفان کافی باشد - من که از کسی پیشنهادی اذکر ننمایم، آنوت آنها دادستان میگویند که من بیت المال مملکت را بهدر دادم ..



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ شیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



ازنگاه دیگران m.ilbelqi@yahoo.fr xalvat.info



سر تیپ ریاحی با اسپاس غیر نظامی در میان دو تن از وکلای مدافع خود

در نخستین جلسه ، دکتر مصدق در موقع نشست روی نیمکت استراحت کرد .
سر تیپ آزموده به بیانات دکتر مصدق "وش
میدهد"



سر تیپ بختیار ، سرتیپ افشار پور ، سرلشکر مقبلی ، سرتیپ شروانی



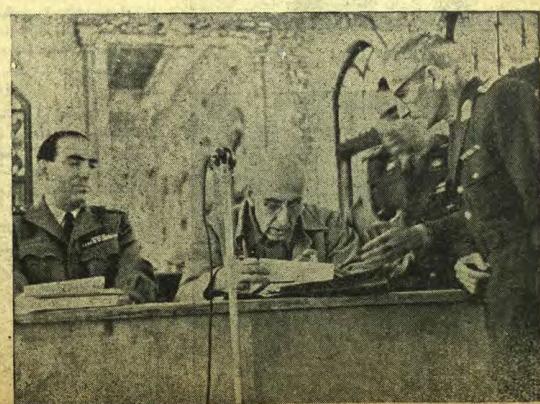
سرلشکر مقبلی رئیس دادگاه نظامی در کتابخانه کلاه فرنگی



دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی و وکلای مدافع آنها در تالار آنیه عمارت کلاه فرنگی ساخته آباد



دکتر مصدق گفت من به سه دلیل از روز ۲۵ مرداد تاکنون
نخست وزیر قانونی کشور هستم ۰۰۰



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ شیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)



ازنگاه دیگران m.ilbelqi@yahoo.fr xalvat.info

دکتر مصدق بست میز دادگاه هنگام تنفس



سریپ آژهوده را چم بادعانمه خود توضیحاتی دیدار



سریپ شروانی، قاضی



سریپ افشاربور، قاضی



سریپ خراعی، قاضی

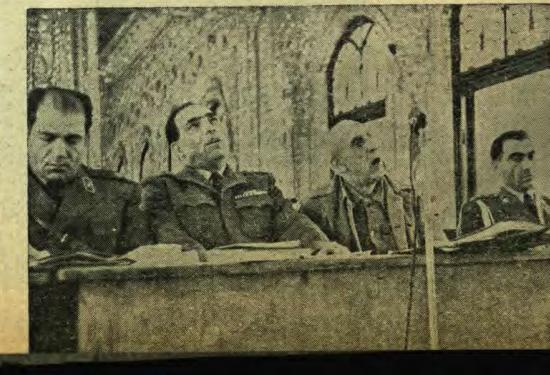
دکتر مصدق هنگام دفاعه خود از گیف دستی بیرون میاورد



دکتر مصدق و سریپ ریاحی در همان وکایی مدافع خود



سریپ خراعی، قاضی
دکتر مصدق بیانات و اعتراضات سریپ آژهوده دادستان ارشن گوش میدهد





اصل ۳۶ قالون اسما
دیگر آنکه پایه معلوم خواهی باشد حق خروج نهاد و ذیر
و زاده است. با اصل ۴۶ قالون اسما توجه کردند. تلخ آن اصل من
نهست وزیر قانون اسما توجه کردند. اگر پادشاه در وقت و زیری را از هر با
نصب کند، درگیر مشروطت مدنی و فوجی می‌شود. زیرا این کاریست
که در زمان اشیداد سلطنتین شنبه میکرده‌اند و حتی وزراء دای
جزیره میکنند افتد. اما حال مشروطه است، اگر حال مه مهان کار
های زمان اشیداد از اینستند، پس اکنون مشروطه در دیگرست.
در قالون اسما می‌گویید پادشاه اذنمتویت می‌برد. باز
داد در کارها خالص کرد متولی مه پایه باشد و باز وارد برسر
مذاخمه فرادر گیرد و لالا که پادشاه متولیست و باید مذاخمه
پشود تا شناخته باشد. پس این دو از وزیر و زیری را مزبور
کرد. زیرا همچو این دو از کارها باید مسلط کنند که ساخت
خوب مدد ملیمانه در کارها دخالت کرد. او را بیرون کردند.
بنابراین وزرا متولی مه مهندست که رفوت می‌شوند می‌باید
گردنده میکنند از این مهندست که دوستدار باشند.

اصالت دستخط

در ۲۲ مرداد که حکم صادر شده و در ۲۶ مرداد که دستخط
پس از شده بیان و داد. تبا براین دادن تاریخ دولت
ایجاد فاعلیتی بوده و اگر دولت کار خلاصی کرده باشد در دوستان
کور حکماکه خود پس من نهست وزیر قانونی هستم، دستخط هم
از دور نظر اسالت نهاد. هلت آندر ۱۰ مامی ۱۹۴۷ این دستخط
را که باتانک و لالا و بیرون و آورده بین داده آن را در صندوق
لی توانت این صندوق را باز کرد. این شندوق پاک شوی و پنجه
من زرد داشت از روی داده قدم بود. هشت حمال آن کار میکردند
من شندوق باین واردا آمدند و بیرون. خوب مطلع بوده که توینه
می‌گردید این مطالعه اکنون شاهنشاهی بین مادر و بوده
پرساند. این بیرون بوده من در فرمانه این موضعیت که
شما آنکه رئیس دادگاه باید بآن توجه کردند.

شام بین ۳۷

دیگر آنکه اعلیحضرت هماون شاهنشاهی بین مادر و بوده
اگر روز برسد که بپوشید برخلاف مصالح مملکت شاه را از کار
بر کنار کنم. من ای ایکاردا ای کم این دو موضوع را نسبت بیانات
دستخط شکنند.

از اینها گذشت من تا ۱۰ دیماه ۱۹۴۷ که مدعی هم بودم
نایت دارای اختیارات ناخواسته است - این اختیارات را بدتر
مصدق که نهست وزیر این داده اند.

من ناید آزادشون

حال اوضاع میکنند این اختیارات را بدیگر مصدق خواه نهست
و زیر پادشاه باشدنده بودند. ازین وظیه و اختیار که به تنظیم و
اصلاح قوانین بپوشید و لالا که مصالح مملکت شاه را از کار
بوقطیه فاعلیت خود افتدند. این ای کاری که مرا از این کار دند
هر اذن از این مطالعه ای
ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی تغییب شود، و مبنای این طبق
باشند و اندیشیدند و ای
که کلمت کسی نبینند و بگویند مصدق صبح نیست.

تشکر از هجهان نهضو

رس از انتشار برای ایلیات هرچنان اینچنان برجمله بیرون
مصور هدف زیادی از خود داشتند. گن نامه ای ای ای ای ای ای ای ای ای
و اقوی ای
پاکشون شنکن ای
و پیشه شناختی مطب خود را فرلاخ مهندسی داشتم. ای ای ای ای ای
دیگر ای
بنی و اندیشیدند و ای
اوی شماره ۷۶ ساعت پیش ای
۴۰۰۶ مدت از این مطالعه تلخ هم بگیرند. و ای ای ای ای ای ای ای ای

دکتر مصدق با سرهنگ آزموده از اطاق خود بداداد مهربورد



دنباله چند صحنه از محکمه

اگر دادستان من کم لطفت من چه میتوانم یکم
به رحال من نهست وزیر این مملکت و دادمن و باید در بوان کشود
محکمه خواه.

آب میخواهیم

در این موقع دکتر مصدق که ایستاده بود پایش از پایه و روی
ایستک افتاد. رس آذان کفت «آنای رئیس دادگاه، گلوب شش
شده، شده ام است، بگویند پیش آب بدهند، آنای من شنایم، آب
در قالون اسما می‌گردیده از خواهد بود. میتوانست بخواست با این باید بدید
مرشک میرجلالی نزد دکتر مصدق رفت و خواست باو این باید بدید
و آنکه مصدق کفت «آفتاب آب آورده است» دکتر مصدق بک لوان آب بود
رس آذان کفت «الحمد لله که؛ اذاب هم مشاهده کردند کوکین، نشد»

محکومیت در راه مصالح مملکت

بسیاستن خود را داده آیانی من در روزگار اخوند دفعه بیکشم
که بیرون دیدم، و ام بعد، مقصود این بیست، ذیر میخواهیت در
راه مصالح مملکت باید اتفاق افتاد. اگر در این راه کشته هم بشود
چه سادقی اذای ایلار. اگر در زندان از این بیرون بدهند هم می‌می‌
فهمند که دست جانهایش و چه سیاست ها در اینکار بدهند. این
صوتی که خارج از زمان میگیرد این قدر ملوده و چه شخصی
این برد. پس دفاع من اذو نظر است، یکی آنکه در از جال
ملکتکارها ایکه شورین شوند آنها رس ای ای ای ای ای ای ای ای
آنکه باشه طلاق احوال نهشت ای ای ای ای ای ای ای ای ای
ایران و من در راه آن رنج کشیده ایم می خواهند این بیرون و پا ز
وطن غیر مارا گرفتار دوست دار می‌شوند ...



در حین محکمه چند بار حالت ضعف بدکتر مصدق دست داد



کودتا کدام است

در اینها که بین نسبت داده اند باید این نکته روش شود
که آیا کوئی تائی واقع شده باشد؟ اگر کوئی تائی دره استاد
تاریخ صدور آن روز ۲۲ مرداد است آنرا بگیرد و در آن باید
۲۵ مرداد این داده آنکه آیا خیر ایشانه داد آن را بگیرد و میخواهند
پاره ای انتظامی سازش کنند و کارکدند ایان رسانند. دیگر آنکه
چرا تبلیغ دستگیری می‌گردید و وزیر خارجه، وزیر راه و پیشنهاد رئیس
لاده و در بیرون دستگیر کرد و سپس آباد بیرون و در آن باید
کردند؛ بلطفه چرا سیاهی ای
پا زادرا ای
چه باید از داده دستخط شد که ای
ش با پاکه ای ای

در تئاتر تهران

کمدی

((محبوب همه))

پدری هورف - نادره سهریم سفکری -
اسدزاده - محجوه - امیراضلی

شروع صاحت ۷ بیان از ظهر

کیش، برای فروش بایطه همه روزه از صبح باز است
اگر زدوساً نس ۴ و نیم و ۷ و نیم بعد از ظهر
صاحب امتیاز منوجه آرین بود



این سر ایز پشت در اطاق دکتر مصدق مشغول تکه‌بازی است

دکتر مصدق در میان خبر تئاران مشغول مطالعه یادداشت‌های خود می‌باشد

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbelqi@yahoo.fr xalvat.info از نگاه دیگران

شماره مخصوص

تکشماره ۶ ریال

جمعه ۲۲ آبان ماه ۱۳۴۴

شماره ۵۲۵



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ شیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)

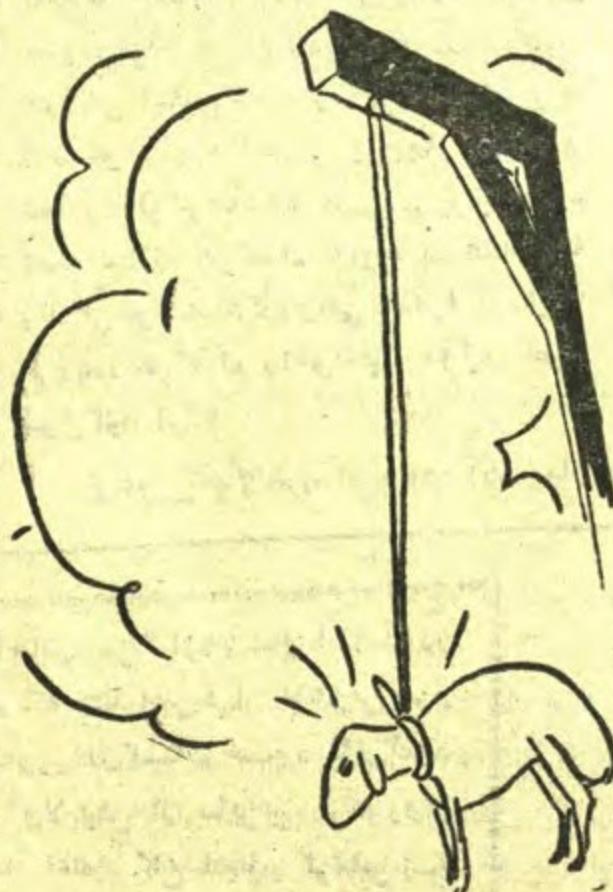


m.ilbelq@yahoo.fr xalvat.info از نگاه دیگران





تقاضای اعدام بره



در محاکمه دکتر مصدق بلحاظ آنکه
سر تیپ ریاحی کوچکترین اعتراضی نمی-
کند یکروز دکتر مصدق با عصبانیت گفت:
این سرتیپ ریاحی مافتد بره اینجا نشسته
و حرفی نمی‌زند ...
یکی از مخبرین بدنبال آن گفت :
بهمین جهت است که دادستان برای او تقاضای
(اعدام) کرده است ۱

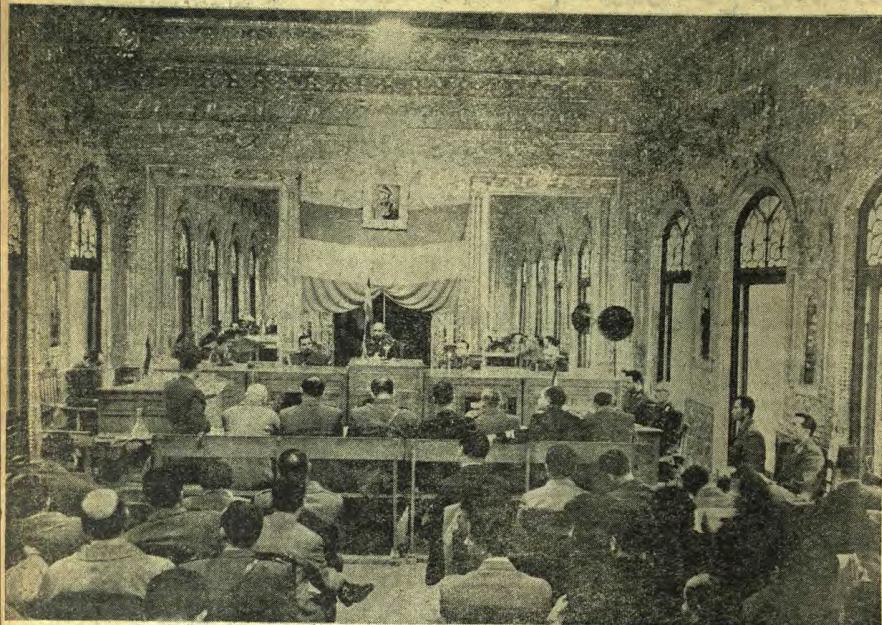


(پنهان) در قلعهِ فلک الافلاک

بالار اطلاع اذ یکماه پیش تا کنون چهار بار مسحشاران سفارت
شوروی بپاک فرهیمی رئیس اداره دوم آن وزارت توانه که مر بوط با مور
شوروی است، مراجعت کرده و در باره تاریخ شروع مذاکرات،
برای دفع اختلافات مالی و مرزی پرسیده اند ولی از طرف دولت
هیچگونه جواب مثبتی داده نشده و با آنها گفته اند که دولت برای
تعیین نمایندگان خود مشغول مطالعه است.



چند صحنه از محاکمه تاریخی دکتر مصدق در دادگاه نظامی سلطنت آباد



منظمه ای از دادگاه نظامی سلطنت آباد در تالار آینه و جایه اتهات دادگاد، دادستان، متهمین و کلای مدافعت آنها و نماشچیان

پس از مدافعت دکتر مصدق و اظهارات وکلای مدافع سرتیپ ریاحی دائر بر عدم صلاحیت دادگاه، محکمه نظامی با تفاوت آراء رأی بصلاحیت خود داد

هفته گذشته محاکمه کثر مصدق و سرتیپ ریاحی در یک معیط هیجان انگیز هیجان ادامه داشت. پس از اظهارات دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی و کلای مدافع آنها دائر بر عدم صلاحیت دادگاه، دادستان از شهادت مطالبی دورد اظهارات متهمین بیان کرد و پس از دادگاه وارد شور شد و آنکه با اخراج آراء رأی بصلاحیت خود داد.

پس از آن سرتیپ آزموده دادستان نظامی شروع بصیحت کرد و در اطراف اقدام نامه خود توپیخانی داد و گفت (دکتر مصدق در نظر داشت سریس جمهوری شود، یا مصدق شاه) در این موقع دکتر مصدق که مر خود را روی دسته ایش نهاده بود ناگهان سر بلند کرد و گفت «است!»



اعضاء دادگاه نظامی پس از شور با تقاض آراء رأی بصلاحیت محکمه دادگاه ساخت خسته بنشده برسد سر خود را روی شانه سرهنگ شاهقای گذاشتند دکتر مصدق (بادقت با اظهارات متهمی محکمه دائر بصلاحیت دادگاه گوش دیده) هنگام دفاع سرهنگ شاهقای دکتر مصدق چهره خود را در میان دو دست پنهان گردید و فکر میکند



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbelq@ yahoo.fr xalvat.info از نگاه دیگران

شماره ۵۲۶

جمعه ۲۹ آبان ماه ۱۳۴۴

تکشماره ۶ ریال

جمهور

نیکسون
به ایران
هیاید

This page is from the magazine 'Jumhur' (جمهور), issue 526, dated Friday, 29th of October 1944. The price is 6 Rials. The title 'Jumhur' is at the top in large, stylized letters. Below it, there's a black and white photo of two men. To the right of the photo is a dark box containing the text 'نیکسون' (Nixon) above 'به ایران' (to Iran) and 'هیاید' (comes). At the bottom, there's another black and white photo of a family of four (man, woman, and two children) sitting on a sofa.

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بگو)



m.ilbelq@ yahoo.fr xalvat.info از نگاه دیگران





زندانیان قلعه فلک الافلاک بتهران منتقل می‌شوند

خبرنگار تهران مصود اطلاع میدهد کمیسیونی که از طرف فرمانداری نظامی و ستاد ارتش مأمور رسیدگی بسوابق و پرونده زندانیان قلعه فلک الافلاک شده بودند به محل رفته و پس از بازجویی اذ بازداشت شدگان، عده‌ای از آنها را آزاد کردند.

در باره بقیه زندانیان قلعه فلک الافلاک تصمیم گرفته شده است که آنها را برای معهاکمه بتهران باز کردارند و در صورتیکه محکوم شدند مجددآ آنرا بقلعه فلک الافلاک اعزام دارند و تا پایان مدت محکومیت در آنجا بمانند. بنابراین از هفته آینده زندانیان قلعه فلک الافلاک بندویج بتهران منتقل می‌شوند.